

نقد ادعای «ولید بن صالح باصمد» دربارهٔ تعارض روایات شیعی مربوط به شیوهٔ حکم

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

حسن زرنوشه فراهانی (نویسنده مسئول)

محمد عترت دوست

زینب هرمزی

چکیده

در منابع حدیثی شیعه، روایاتی در مورد شیوهٔ حکم کردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود دارد که با توجه به اختلاف ظاهری میان آن‌ها، برخی وهابیان از جمله «ولید بن صالح باصمد» حکم به تعارض داده‌اند و بر مهدویت مورد نظر شیعه تاخته‌اند. پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به ادعای تعارض مذکور و با استفاده از روش «توصیف و تحلیل»، ابتدا ادعای مطرح شده را ذیل دو بخش روایات دالّ بر حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر اساس بیّنه و روایات دالّ بر حکم آن حضرت بدون بیّنه دسته‌بندی و گزارش نموده، سپس با بررسی سند و متن روایات، نتیجه می‌گیرد که هر دو دسته روایات از منظر رجالی معتبر هستند و از لحاظ دلّالی نیز قابل جمع با یکدیگرند. توضیح آنکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از برگزیدگان خداوند و برخوردار از علم الهی بوده و علاوه بر حکم با بیّنه، امکان صدور حکم بدون بیّنه را نیز دارد.

کلید واژه‌ها: مهدویت، شیوهٔ حکم، ولید بن صالح باصمد، رفع تعارض روایات.

— تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

— دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران/
zarnooshe@sru.ac.ir

— دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران/
etratdoost@sru.ac.ir

— کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران/
zynbhrmzy4@gmail.com

امید به ظهور منجی در آخرالزمان، از اعتقادات تمامی ادیان الهی است. همه افراد طبق فطرت خود مایل اند روزی فرا رسد که در سایه لطف و عنایت الهی و ظهور رهبری جهانی، جامعه بشریت از ظلم و ستم نجات یافته و طبق وعده‌های داده شده از جانب پیامبران، عدل و داد در سراسر گیتی رواج یابد و انسان‌ها به زندگی شرافتمندانه‌ای که لایق آن‌اند دست یابند. این اعتقاد، به زندگی انسان‌ها معنا داده و تحمل مشکلات را برای آن‌ها آسان می‌کند.

در مذهب شیعه اثنی عشری، مصداق منجی آخرالزمان مشخص است و او امام دوازدهم شیعیان یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. بنابراین اعتقاد به «امامت» دوازده امام به عنوان جانشینان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و در ادامه آن، اعتقاد به غیبت و سپس ظهور امام دوازدهم که از آن با عنوان «مهدویت» یاد می‌شود، از اصول اعتقادی پنج‌گانه مذهب تشیع است.

از این رو بخش عمده تلاش‌های مخالفان مذهب تشیع که در برخی تألیفات و پژوهش‌های دانشگاهی نیز جلوه‌گر است، به خدشه وارد کردن در موضوع «امامت» و به خصوص در شاخه «مهدویت» آن، اختصاص دارد. از جمله این پژوهش‌ها، رساله‌ای در مقطع دکتری با عنوان «الروایات الواردة فی المهدی فی الکتب الحدیثیة المعتمدة عند الشیعة الاثنی عشریة؛ دراسة نقدیة» از «ولید بن صالح باصمد» است که در سال (۲۰۱۴م) در دانشگاه «أم القرى» مکه مکرمه از آن دفاع شده است.

نویسنده در این رساله کوشیده است روایات شیعی در موضوع «مهدویت» را متعارض با یکدیگر نشان دهد. وی با گزارش روایات به ظاهر متعارض شیعی در ابواب و فصول ذیل، در پی تشکیک در اصل مسئله «مهدویت» است؛ ساختار پژوهش نامبرده بدین شکل است:

باب اول؛ روایات مربوط به ویژگی‌های مهدی؛ در ۸ فصل با عناوین تولد او و ویژگی‌های مادرش، اسامی و لقب‌ها و کنیه‌های او، نهی از تصریح کردن به نام او،

نسب او، صفات و نشانه‌های او، جایگاه و منزلت او، معجزات او، روایات مربوط به تأویل آیات قرآن به قیام او. (باصمد، ۲۰۱۴م: ۳۷۲-۹۲)

باب دوم؛ روایات مربوط به غیبت مهدی؛ در ۷ فصل با عناوین اثبات غیبت و مدت زمان آن، علت غیبت و چگونگی بهره بردن مردم از او در زمان غیبت، ویژگی‌های سفرای او در زمان غیبت صغری، مدعیان رؤیت او، مدعیان مهدویت، نهی از تعیین زمان ظهور، انتظار فرج و ظهور. (همان: ۴۲۸-۳۲۸)

باب سوم؛ روایات مربوط به ظهور مهدی؛ در ۹ فصل با عناوین نشانه‌های ظهور او، ظهور مهدی، روز ظهور او، سیره و اخلاق او و ویژگی‌های زمانه‌اش، میراث او، شیوه حکم و قضاوت او، فتوحات او، اصحاب او، دشمنان او. (همان: ۶۲۱-۴۲۹)

از میان موارد فوق، مقاله حاضر به طور خاص به بررسی و نقد ادعای تعارض در روایات مربوط به شیوه حکم و قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه (همان: ۵۷۲-۵۶۱) پرداخته و پرسش‌های ذیل را محور کار خود قرار داده است:

۱. ادعای تعارض در روایات مربوط به شیوه حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، بر اساس چه روایاتی شکل گرفته است؟

۲. راه‌حل رفع تعارض میان این روایات چیست؟

بدین منظور این مقاله، ابتدا روایاتی را که مبتنی بر آن‌ها ادعای تعارض شده، دسته‌بندی و گزارش می‌کند، سپس با بررسی سند و متن روایات مورد نظر و نگاهی به نظرات شارحان حدیث و استفاده از قواعد باب تعارض، به رفع تعارض می‌پردازد. درباره پیشینه این مقاله می‌توان به سه مقاله اشاره کرد:

۱. «تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر

اساس باطن موضوع» از عبدالحسین خسروپناه و محمد زارعی (۱۳۹۵)

۲. «دفاع از روایات مهدویت (۲)؛ داوری بر پایه واقع = داوری داوودی» از مهدی

حسینیان قمی (۱۳۸۴)

۳. «اثبات قضاوت داوودی امام زمان عجله الله تعالی فرجه، بیان کارکردها و پاسخ به شبهات» از سعید بخشی و مصطفی ورمزیار (۱۴۰۱)

اگر چه نویسندگان این مقالات بر اساس روایات معتبر، داوری بدون بیّنه حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه را بررسی و صحت آن را اثبات کرده‌اند، اما در هیچ‌یک از آن‌ها به بررسی روایات داوری حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه با استفاده از بیّنه و رفع تعارض بین روایات دالّ بر داوری حضرت بر اساس بیّنه و بدون بیّنه پرداخته نشده است که این موضوع نیازمند تبیین و پاسخ جامعی است که پژوهش حاضر در پی انجام آن است.

۱. ادعای تعارض در روایات مربوط به شیوه حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه

نویسنده رساله «الروایات الواردة فی المهدي فی الكتب الحديثية المعتمدة عند الشيعة الاثني عشرية؛ دراسة نقدية»، ۳۶ روایت را که به زعم او مربوط به شیوه حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه هستند، ذیل سیزده مجموعه و عنوان گزارش می‌کند که درباره تقسیم‌بندی او و روایات مذکور در آن‌ها، باید به این نکته اشاره کرد که بهتر بود نویسنده به جای دسته‌بندی روایات در مجموعه‌های متعدد و بعضاً شبیه به هم، روایات را ذیل دو دسته کلی روایات دالّ بر حکم آن حضرت بر اساس بیّنه و روایات دالّ بر حکم آن حضرت بدون بیّنه دسته‌بندی می‌کرد.

بر این اساس و برای سهولت در گزارش ادعای «باصمد»، ۳۶ روایت مورد استناد او ذیل همین دو عنوان کلی گزارش می‌شود که ۷ روایت ذیل عنوان اول، یعنی روایات دالّ بر حکم آن حضرت بر اساس بیّنه، و ۲۹ روایت ذیل عنوان دوم، یعنی روایات دالّ بر حکم آن حضرت بدون بیّنه جای می‌گیرند.

۱.۱. روایات دالّ بر حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه بر اساس بیّنه

از میان روایات ذکر شده توسط باصمد، مضمون کلی ۷ روایت، دالّ بر حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه بر اساس بیّنه است. وی پس از ذکر هر روایت و منبع آن، اشکالاتی را ناظر به سند و متن آن بیان می‌کند که به دلیل محدودیت حجم مقاله، صرفاً ۳ مورد از این روایات در جدول ذیل گزارش می‌شوند. با این توضیح که در ستون اول جدول، شماره روایات مطابق با ترتیبی که باصمد در رساله‌اش آورده ذکر

شده تا دسترسی به متن روایت برای خوانندگان تسهیل شود. در ستون دوم، با جستجو در کتب حدیثی شیعه، قسمتی از متن روایت و آدرس قدیمی‌ترین منبعی که روایت در آن آمده، ذکر شده است. در ستون سوم، علتی که باصمد برای تضعیف روایت بیان کرده و منابع مورد استفاده او در تضعیف گزارش شده است.

درباره شیوه کار «باصمد» و نحوه گزارش آن توسط نویسندگان این مقاله، تذکر چند نکته، سودمند است:

۱. باصمد به جای تلاش و زحمت برای یافتن کهن‌ترین منبع هر حدیث که لازمه یک پژوهش علمی است، در بیشتر موارد، به کتاب «بحار الانوار» که مربوط به قرن یازدهم است، ارجاع داده است. از این رو، یافتن منبع کهن و معتبر هر حدیث، مد نظر نویسندگان این مقاله قرار گرفته است.
۲. باصمد در بیان نقدهای سندی و متنی بر روایات، در بیشتر موارد به دو کتاب «بررسی علمی در احادیث مهدی» از ابوالفضل برقی و کتاب «مشرعة بحار الانوار» از محمد آصف محسنی اتکا کرده است، و خود رجوعی به منابع رجالی و حدیثی شیعه نداشته است. از این رو، آشنایی با این دو کتاب و شیوه تعامل نویسندگان آن‌ها با روایات، در این مقاله مورد توجه بوده است.
۳. اگرچه باصمد در ذیل برخی روایات، اشکالات متنی هم مبتنی بر دو کتاب پیش‌گفته بیان کرده است و ما نیز در جدول ذیل این اشکالات را گزارش کرده‌ایم، اما چون این اشکالات محدود به برخی روایات است و حجم مقاله نیز محدودیت دارد، در این مقاله، صرفاً به مطالعه و نقد اشکالات سندی و رجالی او بر روایات می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: روایات دال بر حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک بر اساس بیته

شماره روایت در رساله باصمد	کهن ترین منبع روایت و بخش منتخب از روایت	علت تضعیف روایت از منظر ولید بن صالح باصمد و منبع مورد استفاده او
روایت اول	«...رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ...» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۰)	اعتقاد به ضعیف بودن این حدیث توسط محسنی؛ البته ایشان دلیل ضعف را بیان نمی‌کند (محسنی، ۱۴۲۶: ۲/۲۳۳)
روایت دوم	«...رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۳۹۶)	اعتقاد به ضعیف بودن این حدیث توسط مجلسی، البته مجلسی موضع ضعف را بیان نمی‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶/۶۰۷)
روایت سوم	«...إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ...» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰-۳۲۱)	اعتقاد به ضعف این حدیث توسط محسنی، البته محسنی دلیل ضعف را بیان نمی‌کند (محسنی، ۱۴۲۶: ۲/۲۳۳)

۲.۱. روایات دال بر حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک بدون بیته

از میان روایات ذکر شده توسط باصمد، مضمون کلی ۲۹ روایت، حکم بدون بیته است. در ادامه بر اساس شیوه گزارش روایات تحکیم با بیته، به گزارش سه مورد از روایات دال بر تحکیم بدون بیته می‌پردازیم. البته باید به این موضوع اشاره کرد که بعضی از این روایات در حقیقت یک روایت هستند که به دلیل جابه‌جایی یک راوی یا یک کلمه، در کتاب باصمد به عنوان چند روایت مختلف بیان شده‌اند؛ مانند روایات (۹ و ۱۸؛ ۱۲ و ۱۶؛ ۱۴، ۱۵ و ۲۰؛ ۱۰ و ۱۷؛ ۲۲ و ۲۳؛ ۲۶ و ۲۷؛ ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۲)

جدول شماره ۲: روایات دال بر حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بدون بینه

شماره روایت در رساله باصمد	کهن ترین منبع روایت و بخش منتخب از روایت	علت تضعیف روایت از منظر ولید بن صالح باصمد و منبع مورد استفاده او
روایت هشتم	«... يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ...» (ابن ابی زینب، زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۳۳)	تضعیف حدیث توسط محسنی، البته وی دلیل ضعف را بیان نمی‌کند (محسنی، ۱۴۲۶: ۲/۲۳۳)
روایت نهم	«... حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ...» (مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۸۶)	تضعیف حدیث توسط محسنی، البته وی دلیل ضعف را بیان نمی‌کند (محسنی، ۱۴۲۶ق: ۱/۲۲۶)
روایت دهم	«... حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَهُ...» (صفار، ۱۴۰۴: ۱/ ۵۱۰)	تضعیف حدیث توسط محسنی، البته وی دلیل ضعف را بیان نمی‌کند (محسنی، ۱۴۲۶: ۱/۳۷۰)

۲. نقد ادعای تعارض در روایات مربوط به شیوه حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

با عنایت به اینکه اکثر ضعف‌های رجالی که ولید بن صالح باصمد به روایات مذکور وارد می‌کند، برگرفته از کتاب «بررسی علمی در احادیث مهدی» نوشته سید ابوالفضل برقعی و همچنین کتاب «مشرعة بحار الانوار» نوشته محمد آصف محسنی است، ابتدا مؤلفان دو کتاب مذکور معرفی می‌شوند، سپس با استفاده از کتب رجالی متقدم، وضعیت رجالی راویان تضعیف شده مورد بازخوانی قرار می‌گیرد تا درستی یا نادرستی تضعیفات صورت گرفته و احکام صادره بر روایات، مترتب بر تضعیف راویان روشن شود.

۲. ۱. سید ابوالفضل برقی و موضع او نسبت به عقاید شیعه

سید ابوالفضل برقی (۱۳۷۲-۱۲۸۷ش) دارای تألیفات فراوانی در زمینه تفسیر قرآن، عقاید، کلام، فقه، رجال و... است، که برخی از آنان در ایران چاپ شده و برخی نیز به دلیل همسویی فراوان با عقاید وهابیت، در عربستان سعودی به چاپ رسیده است. تحقیق نشان می‌دهد، زندگی برقی دارای دو بخش مجزاست که از جهت فکری با هم تفاوت فراوان دارند. وی در بخشی از حیات علمی خود کاملاً شیعی، مدافع عقاید آن و مخالف با وهابیت است، اما در بخش دیگر متأثر از وهابیت است، تا جایی که گاهی مدافع آنان و مخالف عقاید شیعی دیده می‌شود. برقی بعد از منحرف شدن از عقاید امامیه، نسبت به شیعه نگاهی بدبینانه پیدا کرده و از اهانت به جماعت شیعی ابایی نداشته است. (محمدی‌فام و نبوی، ۱۳۹۷: ۱۶۸-۱۶۹)

از جمله آثار برقی که مربوط به دوره اول حیات علمی اوست و در ایران چاپ شده می‌توان به کتاب‌های «فوائد در فقه»، «فوائد در اصول»، «تراجم النساء» و «گلشن قدس» اشاره کرد؛ اما از دیگر کتابهایش که همسو با وهابیت بوده و در عربستان چاپ شده باید به کتاب‌های «درسی از ولایت»، «تابشی از قرآن»، «خرافات وفور در زیارات اهل قبور» و «تضاد مفاتیح الجنان با قرآن» اشاره کرد.

بررسی آثار برقی بیانگر عدم اعتقاد او به اعتقادات رایج شیعیان نظیر اعتقاد به وجود دوازده امام معصوم به عنوان جانشینان پیامبر ﷺ (برقی، بی تا(ب): ۲۸۳)، عصمت ائمه و توسل به ائمه علیهم السلام (برقی، بی تا(ب): ۴۱۵-۴۱۲) است.

با توجه به آنچه بیان شد حتی اگر اطمینان به عدول برقی از مذهب شیعه اثنی عشری به وهابیت نداشته باشیم، روا نیست نظرات او در مورد عقاید شیعه را بدون بررسی به عنوان نظر شیعیان بپذیریم و به مبانی شیعه حمله کنیم. کاری که ولید بن صالح انجام می‌دهد و با استناد به اقوال برقی، مدعی تعارض در روایات شیعی می‌شود.

۲. ۱. ۱. کتاب «بررسی علمی در احادیث مهدی»

برقعی در این کتاب به بررسی احادیث موجود در مجلدات ۵۱ تا ۵۳ کتاب «بحار الانوار» که ناظر به موضوع مهدویت است می‌پردازد. وی درباره شیوه کار خود در این کتاب، می‌نویسد:

اخباری در این سه جلد آمده که نه با عقل موافق است و نه با قرآن. و تعجب است کسانی که مدعی علم و عقل بوده‌اند چگونه این اخبار را جمع کرده‌اند؟ اگر کسی اندک فکری داشته باشد به نادرستی و خرافات بافندگان پی می‌برد، ولی ما ناچاریم برای نشان دادن حقیقت، و روشن شدن خوانندگان، بعضی از جعلیات آن را بیاوریم. می‌توان گفت یک حدیث صحیح در میان آن‌ها از جهت سند نیامده است. ما در این کتاب، معرفی راویان اخبار مهدی را طبق گفتار علمای رجال خود شیعه می‌آوریم، و اگر گفتیم مجهول الحال، خود علمای رجال شیعه، او را مجهول الحال و یا مجهول گفته‌اند. و مجهول کسی است که نه اسلام و نه ایمان او معلوم است و نه عدالت و انصاف او. و اگر گفتیم مهمل، خود علمای رجال شیعه امامیه، او را اصلاً نام نبرده و او را مهمل گذاشته‌اند، و اگر گفتیم ضعیف، علمای رجال شیعه از قبیل شیخ طوسی و ممقانی و علامه حلی و نجاشی و امثال ایشان، او را ضعیف دانسته‌اند؛ و ضعیف کسی است که یا عقاید او فاسد بوده و یا دارای فسق و فجور بوده و یا کذاب و جعّال و دشمن بوده است. (برقعی، بی تا (الف): ۶۳-۶۲)

این کتاب به دلیل اشکالات فراوان وارد بر آن، که در پژوهش‌های متعددی (مهدی نژاد، ۱۴۰۰؛ طبسی، ۱۳۹۶؛ مهدی نژاد و فقهی‌زاده، ۱۳۹۸) بازتاب یافته است، مورد پذیرش جامعه شیعی قرار نگرفت. با این حال همواره یکی از مهم‌ترین منابع مورد استفاده و هابیت در رد عقاید شیعه است و ولید بن صالح باصمد هم در بررسی‌های رجالی و فقه‌الحدیثی خود بیشترین استفاده را از این کتاب برده است. به خیال اینکه از آثار خود شیعیان علیه عقاید شیعه اقامه دلیل کرده است!

۲.۲. آیت الله محمد آصف محسنی

آیت الله شیخ محمد آصف محسنی قندهاری (۱۳۹۸-۱۳۱۴ش) از مشهورترین علمای شیعی افغانستانی در دوره معاصر است. وی در افغانستان، عراق و ایران زندگی کرده و از مبارزان علیه نظام کمونیستی در دهه هشتاد میلادی بوده است. محسنی علم رجال را در محضر آیت الله خویی (م. ۱۴۱۳ق) فرا گرفت و در آن تخصص یافت و در کتاب معروف خود با عنوان «بحوث فی علم الرجال» آراء مهم رجالی خود را بیان کرده است. (فهداوی و حب الله، ۱۴۳۷: ۲۷/۱)

محسنی همچنین در بخشی از اقدامات علمی خود به بررسی اعتبار سند روایات «بحارالانوار» و «جامع احادیث الشیعة» پرداخته که دستاوردهای آن در کتابهای «مشرعة بحارالانوار» و «الاحادیث المعتبرة فی جامع احادیث الشیعة» دیده می شود. این دو کتاب شامل بررسی های فنی پیرامون اعتبار اسناد روایات «بحارالانوار» و «جامع احادیث الشیعة» است، ولی در میانه بحث های سندی، اعتبار سنجی فراسندی روایات را نیز در مواردی بررسی کرده است. از مطالعه دقیق آن ها روشن می شود، هدف از نگارش این آثار به خصوص کتاب «مشرعة بحارالانوار» ارائه راهنمایی، جهت استفاده مناسب تر از «بحارالانوار» بوده و حذف روایات فراوان از یک جامع روایی بزرگ شیعه مورد نظر نویسنده نیست. (حسینی حنیف و توسلی، ۱۳۹۷: ۱۳۲)

۲.۲.۱. کتاب «مشرعة بحارالانوار»

این کتاب، در دو جلد نوشته شده است. محسنی در مقدمه این کتاب توضیحاتی در مورد نحوه مواجهه خودش با روایات «بحارالانوار» می دهد و ضعیف شمردن بعضی روایات این کتاب را ناشی از عدم اطلاع از وضعیت راوی و یا نبود اطلاعات رجالی مربوط به آن راوی خاص در کتب رجال می داند. وی تأکید می کند فقط با توجه به سند روایت در این کتاب حدیث را بررسی کرده و حکم نسبی داده است، درحالی که شاید در کتب اربعه برای آن حدیث سند معتبری باشد. با این روش بررسی، وی سند بسیاری از روایات این کتاب را درست نمی داند. وی استفاده از مفاهیم مشترک با روایات معتبر و اعتماد به قرائنی را که موجب اطمینان به حجیت

حدیث می‌شود از فواید روایات غیر معتبر بر می‌شمارد و در ضمن مفسده آن را بی‌توجهی به سند روایات و دروغ‌پردازی‌ها، غلوه‌ها و جهالت راویان می‌داند.

ایشان بر این باور است که برای صحت خبر، علاوه بر صحت سند، روش‌های دیگری هم وجود دارد، از جمله اینکه اگر برای یک حدیث سه سلسله راوی وجود داشته باشد، مانند بعضی از روایات صدوق، استناد به آن دور از ذهن نیست، زیرا راویان سه سلسله نمی‌توانند در مورد یک موضوع به اتفاق، روایتی دروغ بیاورند. (محسنی، ۱۴۲۶: ۱/ ۱۴-۷)

با این حال، فهداوی و حب‌الله با نگارش کتاب «المعتبر فی بحار الانوار وفقاً لنظریات آیه الله الشیخ محمد آصف محسنی» در پی جمع‌آوری احادیث معتبر کتاب «بحار الانوار» مطابق با نظریات آیت الله محسنی در کتاب «مشرعة بحار الانوار» برآمدند و ۲۸۷۳ روایت را در کتاب خود نقل کردند (ر.ک: فهداوی و حب‌الله، ۱۴۳۷: ۱/ ۲-۳)

آن‌ها با این کار، دیگر روایات «بحار الانوار» را از درجه اعتبار ساقط دانستند. همین مسئله سبب شد آیت الله محسنی در پاسخ به استفساری که درباره کتاب «المعتبر فی بحار الانوار...» از ایشان صورت گرفت، به هفت نکته اشاره کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نقل یک متن به سه سند نامعتبر موجب اطمینان به صدور آن متن از امام علیه السلام می‌شود؛ بعید است راویان در هر سه سند، دروغ گفته باشند.

۲. اگر در ده سند، متن مختلفی نقل شود، راویان آن هر چند مجهول یا ضعیف باشند، قدر مشترک آن متن مورد اطمینان و حجت است؛ «الخبر الموثق» بالاتر و مهم‌تر از «خبر الثقة» است، زیرا وثوق به محتوا در اولی فعلی و در دومی نوعی است.

۳. انکار متون نقل شده با سندهای نامعتبر غلط است، زیرا انکار، ادعایی است که دلیل می‌خواهد؛ متن حدیث بر فرض نامعتبر بودن سند و نداشتن قرینه داخلی و خارجی حجت نیست، نه اینکه تکذیب شود. (حسینی حنیف و توسلی، ۱۳۹۷: ۱۳۵-۱۳۳)

با وجود این، «باصمد» یا عمداً و یا بدون اینکه به خودش زحمت مطالعه دیدگاه آیت الله محسنی را بدهد، برای نشان دادن عدم اعتبار اکثر احادیث مربوط به مهدویت، به کتاب ایشان ارجاع می‌دهد.

۳.۲. بررسی وضعیت رجالی راویان تضعیف شده توسط «باصمد» در کتب رجالی متقدم

همان‌طور که در گزارش ادعای باصمد مشاهده شد، وی در تضعیف برخی روایات، موضع ضعف سند را مشخص می‌کند، اما برخی دیگر از روایات را بدون ذکر موضع تضعیف می‌کند. در این بخش بر اساس آراء رجالیون متقدم شیعه، ابتدا به بررسی وثاقت یا ضعف چهار راوی که به طور مشخص توسط باصمد تضعیف شده‌اند می‌پردازیم تا اعتبار ادعاهای رجالی او درباره آن‌ها روشن شود. در ادامه، اسناد دیگر روایات تضعیف شده توسط «باصمد» که موضع ضعف آن‌ها را مشخص نکرده نیز بررسی می‌شوند تا درستی یا نادرستی تضعیف او نسبت به آن روایات نیز مشخص گردد.

۳.۲.۱. مفصل بن عمر

با نگاهی به روایاتی که کشی در مورد وی نقل کرده می‌توان تشویش و تشکیک در مورد وی را به بهترین نحو دریافت. در یکی از این روایات مفصل مورد تأیید امام صادق علیه السلام است اما بعد از مدتی، بر اثر خبرچینی دو نفر مورد شک و تردید قرار می‌گیرد (کشی، ۱۴۰۴: ۶۱۳/۲) و تا جایی پیش می‌رود که از طرف امام با لفاظی مشرک و کافر مورد خطاب قرار می‌گیرد و به سمت غلو روی می‌آورد. (کشی، ۱۴۰۴: ۶۱۲/۲)

در مورد نظرات غالیانه او گفته شده است وی ادعا کرده که امام صادق علیه السلام بندگان را روزی می‌دهد، که این شبهه توسط خود امام صادق علیه السلام رد می‌شود (کشی، ۱۴۰۴: ۶۱۵/۲) و یا در روایتی آمده زمانی که به همراه گروهی برای زیارت امام حسین علیه السلام راهی شده بود، هنگام فرا رسیدن وقت نماز به بهانه اینکه قبلاً در منزل نماز خوانده از اقامه نماز طفره رفت. (کشی، ۱۴۰۴: ۶۱۷/۲)

ذکر این نکته در این جا لازم است که نخواندن نماز یکی از مهم ترین نشانه های غالیان بوده است. نجاشی (۱۳۶۵: ۴۱۶) و ابن غضائری (۱۳۸۰: ۸۷) نیز به تضعیف او می پردازند. در نتیجه مفضل بن عمر از نظر متقدمان ضعیف می باشد.

۲.۳.۲. ابو عبیده حذاء

در اینجا «باصمد» ابو عبیده حذاء را به دلیل مشابهت اسمی با ابو الجارود دلیل ضعف سند می داند در حالی که ابو عبیده از نظر نجاشی ثقه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۰) و در روایت کشی هم اشاره شده به اینکه وی مورد مدح امام زمانش بوده، زیرا امام صادق علیه السلام بر جنازه او نماز می خواند و برایش دعا می کند. (کشی، ۱۴۰۴: ۲/ ۶۶۵) بنابراین وی در نظر رجالیون متقدم ثقه است.

۲.۳.۳. محمد بن سنان

محمد بن سنان از راویان پرکاری است که هر چند در بعضی روایات کشی مدح می شود اما توسط دیگر متقدمان نه تنها توثیق نشده بلکه شدیداً مورد اتهام قرار گرفته است؛ طوسی در کتاب «الفهرست» (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶) ضمن ضعیف دانستن او روایاتش را مملو از تخلیط و غلو می داند.

وی در کتاب رجال (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۴) هم محمد بن سنان را ضعیف می داند. ابن غضائری هم درباره او می نویسد: «وی ضعیف و غالی است؛ حدیث جعل می کند؛ به او توجهی نمی شود» (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۲) نجاشی هم همین نظر را درباره وی دارد: «او بسیار ضعیف است، بر او اعتماد نمی شود و به منفرداتش توجهی نمی شود» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۸)

روایات کشی درباره وی نشان از اختلاف نظر شدید دارد تا جایی که گاه مورد لعنت امام جواد علیه السلام قرار گرفته و در مقابل، مدتی بعد امام برای وی دعای خیر می کند. (کشی، ۱۴۰۴: ۲/ ۷۹۳-۷۹۲)

کشی در جایی محمد بن سنان را از جانب صفوان بن یحیی متهم به غلو می کند و حتی از قول فضل بن شاذان وی را کذاب می داند (کشی، ۱۴۰۴: ۲/ ۷۹۵ و

۸۲۳) با این حال همان نویسنده شماری از اجلا را نام می‌برد که از محمد بن سنان روایت کرده‌اند، که فضل بن شاذان هم جزء این افراد است (کشی، ۱۴۰۴: ۲/ ۷۹۶) کشی در جای دیگری از قول حمدویه می‌نویسد: ایوب بن نوح روایات محمد بن سنان را به خاطر و جاده‌ای بودن نگاشته، اما خودش برای کسی نقل نکرده و این به خاطر احتیاط او در مورد روایات محمد بن سنان بوده است. (کشی، ۱۴۰۴: ۷۹۵/۲)

در اینجا باید به این نکته اشاره کنیم که روایاتِ و جاده‌ای که از کتب معتبر نقل شده‌اند مورد قبول هستند.

از خود محمد بن سنان نقل شده که در مسجد کوفه گفته است هر کس نقل معضلات را دوست دارد، به من رجوع کند و هر کس حلال و حرام را می‌خواهد بداند به این شیخ (یعنی صفوان بن یحیی) مراجعه کند. (کشی، ۱۴۰۴: ۷۹۵/۲)

برای روشن شدن موضوع باید در ترجمه کلمه «معضلات» نگرسته شود، زیرا این کلمه آن‌گونه که راغب می‌گوید به معنی کاری است که اصلاح و انجامش مشکل و سخت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۳/۲) و باید از این روایت برای مدح محمد بن سنان استفاده شود، نه ذم او.

با دقت در روایاتی که کشی در مورد محمد بن سنان آورده، می‌توان این‌گونه دریافت که شاید در برهه‌ای از زمان وی عقایدی داشته که مورد قبول ائمه علیهم‌السلام نبوده اما وی پافشاری بر عقاید خود نداشته و بعد از راهنمایی امام جواد علیه‌السلام از نظر خود بر می‌گردد، تا جایی که شیخ مفید در یادکرد کسانی که از امامت امام رضا علیه‌السلام اطلاع داشتند از محمد بن سنان به همراه چند نفر دیگر نام می‌برد و آنان را از خاصان امام کاظم علیه‌السلام و ثقات و اهل ورع و علم و فقه و از شیعیان می‌داند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۴۸)

سید بحرالعلوم در کتاب «الفوائد الرجالية» بعد از بررسی همه نظرات ارائه شده در مورد محمد بن سنان می‌نویسد: «اگر او غالی یا کاذب بود بین مردم مشهور

نمی‌شد و بزرگانی مثل فضل بن شاذان، ایوب بن نوح و دیگران از او دوری می‌کردند». وی ادامه می‌دهد:

این اختلاف قول‌ها و روایات در علمای اهل فن، باعث شد گروهی او را توثیق کرده و در مقابل گروهی تضعیفش کنند و برخی نیز رأی به توقف دادند، اما با توجه به همه اقوالی که ذکر شد، به دست می‌آید که صحیح‌ترین نظر توثیق محمد بن سنان است. (بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ۳/۲۷۸-۲۷۷)

خاقانی ضمن نام بردن از بزرگانی که قائل به مدح محمد بن سنان بودند، می‌نویسد:

سخن فضل بن شاذان، در مورد کذاب بودن ابن سنان که انتساب آن به فضل ثابت نیست و با فرض ثبوت آن، احتمال دارد درباره محمد بن سنان بن ظریف هاشمی، برادر عبدالله بن سنان باشد، نمی‌تواند دلیلی برای تضعیف محمد بن سنان باشد. (خاقانی، ۱۴۰۴: ۲/۱۷۱-۱۷۲) اما با تمام این مسائل محمد بن سنان از نظر متقدمان غالی و ضعیف است.

۲.۳.۴. احمد بن محمد

طوسی در کتاب «الفهرست» احمد بن محمد را این‌گونه معرفی می‌کند: «شیخ اهل قم و چهره سرشناس و فقیه آن‌ها بود و کسی در برابرش نبود». (طوسی، ۱۴۲۰: ۶۰)

وی در کتاب «رجال» هم وی را ثقه می‌داند. (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۵) نجاشی هم با همان عبارات طوسی، او را می‌ستاید. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲) بدون تردید وی در نظر رجالیون متقدم ثقه است.

در جمع‌بندی وضعیت رجالی ۴ راوی تضعیف شده توسط «باصمد» باید گفت که از نظر متقدمان رجال شیعه، دو نفر از آن‌ها ثقه، یک نفر ضعیف و یک نفر هم غالی است که به طور خلاصه وضعیت هر یک در جدول ذیل قابل مشاهده است. بنابراین ادعای باصمد مبنی بر ضعف همه آن‌ها، قابل پذیرش نیست.

جدول شماره ۳: نظر رجالیون متقدم در مورد ۴ راوی تضعیف شده توسط باصمد

ردیف	نام راوی	نظر متقدمان
۱	مفضل بن عمر	ضعیف
۲	ابو عبیده الحذاء	ثقه
۳	محمد بن سنان	غالی
۴	احمد بن محمد	ثقه

همان طور که پیش تر بیان شد، جدای از روایاتی که به دلیل وجود چهار راوی فوق الذکر در سند آنها، توسط باصمد تضعیف شده‌اند، روایات دیگری نیز بدون مشخص شدن موضع ضعفشان، از جانب باصمد تضعیف گشته‌اند. لذا برای بررسی دقیق تر تمام راویان، با بررسی ۳۶ روایت مورد نظر، این نتیجه حاصل شد: از مجموع ۷۲ راوی؛ ۴۳ راوی ثقه، ۷ راوی ضعیف، ۷ راوی مهمل، ۶ راوی غالی، ۵ راوی مجهول و ۴ راوی ممدوح هستند بنابراین تضعیفات باصمد مبنای علمی ندارند.

۴.۲. بررسی اعتبار ۳۶ روایت تضعیف شده توسط باصمد و رفع تعارض میان آنها

پس از بررسی اسناد ۳۶ روایت موجود در بحث، اکنون باید به بیان حکم هر یک از روایات پردازیم تا بتوانیم ادعای تعارض میان روایات را چاره‌جویی کنیم. در بیان حکم روایات، با دو رویکرد اعتبارسنجی مواجهیم؛ «رویکرد راوی محور» و «رویکرد قرینه محور».

در رویکرد راوی محور، وضعیت راویان، تعیین کننده حکم روایت است و به موجب کوچک ترین ایراد بر جزئی از سند، روایت از درجه اعتبار ساقط می‌شود، اما در رویکرد قرینه محور، از میان منقولات راوی ضعیف صرفاً مفردات او مردود می‌شود، به این معنا که اگر روایت راوی ضعیف، مؤید داشته باشد، حمل بر اعتبار می‌شود،^۱ لذا در ادامه، در دو جدول مجزا ابتدا بر مبنای رویکرد اعتبارسنجی

۱. برای مطالعه بیشتر درباره رویکردهای اعتبارسنجی احادیث، ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۳۹۸: ۸۷-

راوی محور و سپس بر مبنای رویکرد اعتبارسنجی قرینه محور، حکم هر روایت بیان می شود تا معلوم گردد مبتنی بر هر یک از این دو رویکرد، چه تعداد احادیث معتبر و غیر معتبر در طرفین تعارض باقی می ماند و تعارض چگونه مرتفع می گردد.

در جدول ذیل، ستون اول نشان دهنده شماره روایات در رساله باصمد، ستون دوم نشان دهنده حکم هر روایت بر مبنای رویکرد اعتبارسنجی راوی محور و ستون سوم نشان دهنده علت آن حکم است.

جدول شماره ۴: حکم هر روایت بر مبنای رویکرد اعتبارسنجی راوی محور

شماره روایت	حکم روایت	علت حکم
روایت اول	صحیح	باصمد این روایت را به بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۲/۳۷۸) ارجاع داده، اما ما روایت و سندش را بر اساس کهن ترین منبع آوردیم.
روایت دوم	ضعیف	عدم اتصال سند؛ در این سند با توجه به اینکه منظور از اباجعفر، امام باقر <small>علیه السلام</small> است باید ابی بصیر بعد از احمد بن عمر، باشد که اتصال سند برقرار شود. (شبیری زنجانی، بی تا: ۲۷۲/۹)
روایت سوم	ضعیف	مهمل بودن کامل. هرچند در این روایت جمیع الکناسی و محمد بن الحسن هم مهمل هستند، اما در طبقه آنان یک راوی ثقه روایت را نقل کرده است.
روایت چهارم	حسن	ممدوح بودن عبدالله بن عطاء. (کشی، ۱۴۰۴: ۴۷۷/۲)
روایت پنجم	ضعیف	غالی بودن جعفر بن محمد بن مالک که نجاشی وی را ضعیف می داند و معتقد است حدیث وضع می کرده و از این که محمد بن همام و ابوغالب از او روایت نقل کرده اند تعجب می کند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۲)
		طوسی اعتقاد به ثقه بودن وی دارد و مدعی است گروهی او را تضعیف کردند (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۱۸) اما ابن غضائری وی را این گونه معرفی می کند: «کذاب، متروک الحدیث جملة، و فی مذهبه ارتفاع، و یروی عن الضعفاء و المجاهیل، و کلّ عیوب الضعفاء مجتمعة فیہ» (ابن غضائری، ۱۳۸۰:

۴۸) مجهول بودن عباد بن یعقوب. مهمل بودن یحیی بن یعلی		
عدم وجود سند. غالی بودن مفضل بن عمر	ضعیف	روایت ششم
ممدوح بودن عبدالملک بن اعین. (کشی، ۱۴۰۴: ۱/۴۱۰)	حسن	روایت هفتم
	صحیح	روایت هشتم
عدم وجود سند	ضعیف	روایت نهم
ثقه و واقفی بودن منصور بن یونس. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۲؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۳)	موثق	روایت دهم
	صحیح	روایت یازدهم
غالی بودن محمد بن سنان	ضعیف	روایت دوازدهم
	صحیح	روایت سیزدهم
عدم وجود سند	ضعیف	روایت چهاردهم
مرسل بودن روایت. کذاب بودن اسحاق بن محمد که ابن غضائری وی را وضع کننده حدیث می داند: «فاسد المذهب، کذاب فی الروایة، وضاع للحديث لا يلتفت إلى ما رواه، ولا يرتفع بحديثه. و للعباشی معه خبر فی وضعه للحديث مشهور» (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۴۱) و نجاشی هم وی را این گونه معرفی می کند: «هو معدن التخلیط». (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۳)	ضعیف	روایت پانزدهم
غالی بودن محمد بن سنان	ضعیف	روایت شانزدهم
ثقه و واقفی بودن منصور بن یونس. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۲؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۳)	موثق	روایت هفدهم

روایت ہجدهم	ضعیف	عدم وجود سند
روایت نوزدهم	ضعیف	عدم وجود سند
روایت بیستم	ضعیف	عدم وجود سند
روایت بیست و یکم	حسن	ممدوح بودن حسین شیبانی (کشی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۵۰) کہ گفته شده همان حسین بن زرارہ است. (شوشتری، ۱۴۱۰: ۳ / ۴۶۷)
روایت بیست و دوم	ضعیف	غالی بودن محمد بن سنان. مجهول بودن معاذ بن کثیر.
روایت بیست و سوم	ضعیف	غالی بودن محمد بن سنان. مجهول بودن معاذ بن کثیر.
روایت بیست و چهارم	ضعیف	مجهول بودن اسماعیل بن مرار و سنان بن طریف.
روایت بیست و پنجم	ضعیف	ضعیف بودن محمد بن حسان رازی (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۸) ضعیف بودن محمد بن علی صیرفی کہ نجاشی وی را ضعیف و کذاب «ضعیف جدا، فاسد الاعتقاد، لا یعتمد فی شیء» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲) ابن غضائری، ہم وی را کذاب و غالی دانستہ (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۴) طوسی، روایاتش را مملو از تخلیط و غلو می داند (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۲) ضعیف بودن عمرو بن شمر کہ نجاشی و ابن غضائری وی را تضعیف می کنند. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۸۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۷۴)
روایت بیست و ششم	ضعیف	مرسل بودن روایت. غالی بودن احمد بن ہلال. (کشی، ۱۴۰۴: ۲ / ۸۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۸۴)

روایت بیست و هفتم	ضعیف	مرسل بودن روایت. غالی بودن احمد بن هلال (کشی، ۱۴۰۴: ۲ / ۸۱۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: (۳۸۴)
روایت بیست و هشتم	ضعیف	ضعیف بودن علی بن ابی حمزه (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۸۳؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۳۹؛ کشی، ۱۴۰۴: ۲ / ۷۴۲-۷۰۵) مهمل بودن علی بن احمد بن موسی، غالی بودن محمد بن علی الهمدانی، مجهول بودن سالم ابوحمزه
روایت بیست ونهم	ضعیف	ضعیف بودن محمد بن علی ابوسمینه که نجاشی وی را «ضعیف جدا، فاسد الاعتقاد، لا یعتمد فی شیء» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲) و ابن غضائری وی را کذاب و غالی می دانسته (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۴) و طوسی روایاتش را مملو از تخلیط و غلو می داند. (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۲) ضعیف بودن موسی بن سعدان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۰۴؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۰) ضعیف بودن عبدالله بن قاسم. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۶؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۷۸؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۱)
روایت سی ام	ضعیف	غالی بودن سهل بن زیاد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۵۹) ضعیف بودن محمد بن حسن الشمون (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۴۰۲) ضعیف بودن عبدالله بن عبد الرحمن (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۱۷؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۷۶)
روایت سی و یکم	ضعیف	ضعیف بودن محمد بن علی ابوسمینه که نجاشی وی را «ضعیف جدا، فاسد الاعتقاد، لا یعتمد فی شیء» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲) و ابن غضائری وی را کذاب و غالی دانسته (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۴) و طوسی روایاتش را مملو از تخلیط و غلو می داند (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۱۲) ضعیف بودن موسی بن سعدان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۰۴؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۹۰) ضعیف بودن عبدالله بن قاسم. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۶؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ۷۸؛ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۱)
روایت سی و دوم	ضعیف	ضعیف بودن محمد بن علی ابوسمینه که نجاشی وی را «ضعیف جدا، فاسد الاعتقاد، لا یعتمد فی شیء» (نجاشی،

۱۳۶۵:۳۳۲) و ابن غضائری وی را کذاب و غالی دانسته (ابن غضائری، ۱۳۸۰:۹۴) و طوسی روایاتش را مملو از تخلیط و غلو می‌داند (طوسی، ۱۴۲۰ق:۴۱۲) ضعیف بودن موسی بن سعدان (نجاشی، ۱۳۶۵:۴۰۴؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰:۹۰) ضعیف بودن عبدالله بن قاسم (نجاشی، ۱۳۶۵:۲۲۶؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰:۷۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق:۳۴۱) مجهول بودن محمد بن علی ماجیلویه.		
	صحیح	روایت سی و سوم
مرسل بودن	ضعیف	روایت سی و چهارم
مرسل بودن	ضعیف	روایت سی و پنجم
	صحیح	روایت سی و ششم

مطابق با مبنای رجالیون متأخر (مکتب حله به بعد) که بر اعتبارسنجی راوی محور تأکید دارند، از ۳۶ روایت موجود، ۲۷ روایت ضعیف، ۶ روایت صحیح، ۲ روایت موثق و ۳ روایت حسن هستند؛ یعنی از میان ۳۶ روایت، ۱۱ روایت معتبر (اعم از صحیح، حسن و موثق) باقی می‌ماند که از این ۱۱ روایت، ۳ روایت دلالت بر شیوه حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه با استفاده از بیّنه و ۸ روایت دلالت بر شیوه حکم حضرت بدون بیّنه دارد.

در این قسمت، بر آن شدیم برای نتیجه‌گیری بهتر، ۳۶ روایت شیوه حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه را بر مبنای رویکرد اعتبارسنجی قرینه‌محور نیز مورد بررسی قرار دهیم. گزارشی از این نحوه اعتبارسنجی را در جدول صفحه بعد مشاهده می‌کنید.

جدول شماره ۵: حکم روایات شیوه حکم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر مبنای رویکرد قرینه محور

ردیف	شماره روایات	مضمون	حکم روایت	علت حکم
۱	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷	حکم کردن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> بر اساس روش قرآن و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	صحیح	۱. با توجه به معتبر بودن احادیث ۱، ۴ و ۷ صحت دیگر روایات این مضمون هم تأیید می‌شود. ۲. وجود هفت روایت در این مجموعه که در واقع یک مضمون دارند، نشان از صحت آن می‌باشد. ۳. محمد بن مسلم در سه روایت تأکید می‌کند که روش قرآن در واقع همان روش پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و حضرت علی <small>رضی الله عنه</small> است: « كَانَ عَلِيٌّ يُعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ... » (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۴۳)
۲	۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵	حکم کردن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> بر اساس روش جدید و تازه	صحیح	۱. وجود دو روایت معتبر ۸ و ۲۱ در این دسته نشان از صحت این مضمون دارد. ۲. وجود سیزده روایت در این مجموعه شاهد دیگری بر صحت این مضمون است. ۳. وجود محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر در سند روایت ۲۶ و ۲۷ دلیلی دیگر بر صحت این مضمون است.
۳	۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰	حکم کردن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> بر اساس روش حضرت داوود	صحیح	۱. وجود چهار روایت معتبر ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۷ در این مجموعه دال بر صحت این مضمون است. ۲. مشابهت مفهوم دوازده روایت موجود در این مجموعه سندی دیگر بر صحت این مضمون است. ۳. وجود محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی در سند روایت شانزدهم نشان از وثاقت این مضمون دارد.
۴	۲۵	حکم کردن حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> یا اهل کتاب بر اساس کتاب خودشان	ضعیف	روایتی هم مضمون با روایت بیست و پنجم را ابن طاووس هم نقل کرده، اما راویان آن حدیث هم، همه مجهول و یا مهمل هستند. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۴۲)
۵	۳۳، ۳۴	حکم حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small> به نابودی منابر و مساجد	صحیح	۱. وجود روایت ۳۳ در این مجموعه که معتبر است نشان از صحت این مضمون دارد، اما ذکر این نکته لازم است که: باصمد در این جا حدیث را به صورت کامل نمی‌آورد بلکه قسمتی از حدیث را می‌آورد که منظور خاص

خودش که همان خرابی مساجد توسط حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> است به خواننده منتقل کند.				
۱. با توجه به معتبر بودن حدیث ۳۶ هیچ شبهه‌ای در صحت مضمون آن باقی نمی‌ماند. ۲. وجود محمد بن یحیی و احمد بن محمد بن عیسی نشان از وثاقت این مضمون دارد. ۳. وجود چند روایت در کتاب روضة المتقین که مضمون مشابه باروایت مورد نظر دارند دلیل دیگری بر صحت این مضمون است. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۳۱-۱۳۰)	صحیح	حکمرانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> بر کل زمین	۳۶	۶

بنابراین طبق مبنای رجالیون متقدم شیعه که مبنای مورد پذیرش نویسندگان این مقاله است، از ۳۶ روایت شیوه حکم حضرت مهدی علیه السلام فقط یک روایت ضعیف و بقیه روایات معتبر هستند.

۵.۲. بررسی دلالت روایات دال بر تحکیم حضرت مهدی علیه السلام با بیته و بدون بیته

با توجه به اینکه مطابق با رویکرد اعتبارسنجی راوی محور و قرینه محور احادیث دال بر استفاده امام مهدی از بیته و عدم استفاده از بیته برای حکم و داوری بین مردم در زمان ظهور معتبر شناخته شدند، اکنون می‌خواهیم به بررسی این موضوع بپردازیم که آیا این روایات با هم تعارض دارند و قابل جمع نیستند و یا این که تعارضی وجود ندارد؟

در شرایط عادی، قضاوت و حکم کردن بین دو طرف دعوا باید همواره بر اساس شواهد و مدارک باشد، پیامبران و اولیای الهی هم مقید به این روش بودند، آن گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷/ ۴۱۴) اما خداوند در مواقع خاص به برگزیدگان خود مواهبی عطا می‌کند که راهگشای آنان برای هدایت و رهبری مردم باشد. صفار در کتاب خود ۱۸ روایت نقل کرده دال بر این موضوع که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام این ویژگی را در مواقع

خاص عنایت کرده که با نگاه کردن به صورت افراد بتوانند در مورد آن‌ها به درستی حکم کنند. (صفا، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۳۶۰-۳۵۴)

در روایت دیگری که از لحاظ سندی معتبر است، هنگامی که از امام صادق علیه السلام در مورد نحوه داوری ایشان می‌پرسند، در جواب می‌فرماید: «يَحْكُمُ اللَّهُ وَحُكْمُ دَاوُدَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْنَا الشَّيْءُ الَّذِي لَيْسَ عِنْدَنَا تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۹۸)

این روایت نشان‌دهنده این موضوع است که همه ائمه علیهم السلام این ویژگی را داشتند که در صورت لزوم از روش‌های مختلف داوری استفاده کنند، اما در شرایط عادی از روش معمول جامعه که استفاده از شواهد و بیّنه بوده استفاده می‌کردند.

بر اساس روایات، شرایط ظهور امام زمان علیه السلام، ویژه و خاص است، بنابراین می‌طلبد که حکم کردن و قضاوت حضرت مهدی علیه السلام هم متناسب با شرایط، ویژه و خاص باشد؛ البته ما در میان انبیاء و اولیاء الهی هم افرادی مانند حضرت داوود داشتیم که در مواقع خاص، فراتر از شواهد و قرائن ظاهری، احکامی صادر کردند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵۹/۶) بنابراین حکم کردن بدون بیّنه توسط حضرت علیه السلام تازگی نداشته و تضادی هم با اجرای عدالت ندارد، زیرا احکام قضایی مسلمانان بر سه پایه استوار است؛ گواهی افراد عادل، سوگند قطعی و روش به کار گرفته شده از سوی امامان هدایت. (همان: ۶۰/۶-۵۹)

بر اساس این روایت پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، این امکان را دارند تا در مواقع لزوم برای داوری و قضاوت، از علوم غیبی استفاده کنند و این عین عدالت است. بنابراین در مورد حکم کردن بدون بیّنه تأویلش این است که امام بر اساس علم خودش حکم می‌کند نه اینکه بخواهد احکام شریعت را نسخ کند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۴)

در پایان باید یادآور شویم که عدالت از اصول مهم اسلامی و یکی از اهداف متعالی زندگی انسان است که در قرآن و روایات معتبر روی آن تأکید شده است. پیامبران الهی در صدد بودند مردم را به گونه‌ای تربیت کنند که دوستدار عدالت بوده

و برای برپایی آن در جامعه اسلامی تلاش کنند، اما هیچ کدام از انبیاء و اولیای الهی تاکنون در اجرای این مأموریت خطیر به طور کامل موفق نبوده‌اند. تنها کسی که می‌تواند عدالت را به صورت کامل و با موفقیت در تمام زمینه‌ها اجرا کند، امام مهدی عجله الله تعالی فرجه است. بنابراین باید برای اجرای این عدالت جهان‌گستر، از بهترین و تکامل‌یافته‌ترین روش‌ها استفاده کند. شرایط ظهور ایجاب می‌کند که امام مهدی عجله الله تعالی فرجه تسلط همه جانبه‌ای بر جامعه داشته باشد، و در هر زمان بهترین روش را برای حکم و قضاوت استفاده کند، که این روش بهتر، گاهی استفاده از بیّنه، گاهی بدون استفاده از بیّنه و گاهی الهام غیبی است و این روش‌ها نه تنها متعارض باهم نیستند، بلکه مکمل هم برای برپایی جهانی سراسر عدالت به دست منجی موعود هستند. در نتیجه این دو دسته روایات با هم قابل جمع دلالتی بوده و نیازی به ترجیح یکی بر دیگری نیست.

نتیجه:

با بررسی ۳۶ روایت موجود که ۷ روایت دالّ بر حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه با استفاده از بیّنه و ۲۹ روایت دالّ بر حکم ایشان بدون استفاده از بیّنه و شاهد بود به این نتیجه رسیدیم که بر اساس رویکرد اعتبار سنجی راوی محور، از بین روایات دالّ بر حکم حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه با استفاده از بیّنه، ۳ روایت معتبر و از روایات دالّ بر حکم ایشان بدون استفاده از بیّنه، ۸ روایت معتبر هستند.

بر اساس رویکرد اعتبار سنجی قرینه محور از بین ۳۶ روایت موجود یک روایت ضعیف و بقیه معتبر هستند. همچنین برآیند پژوهش نشان می‌دهد روایات معتبر و بررسی نظر شارحان مبین این موضوع بود که این دو دسته روایات نه تنها با هم تعارضی ندارند، بلکه مکمل یکدیگر و لازمه عدالت جهانی هستند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- 0 ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغيبة للنعمانی، تهران: نشر صدوق.
- 0 ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶)، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، قم: مؤسسه صاحب الامر عنه السلام.
- 0 ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۸۰)، الرجال لابن الغضائری، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- 0 باصمد، ولید بن صالح (۲۰۱۴م)، «الروایات الواردة فی المهدی فی الكتب الحديثية المعتمدة عند الشيعة الاثني عشرية؛ دراسة نقدية»، مكة المكرمة: جامعة أم القرى.
- 0 بحر العلوم، سید مهدی (۱۳۶۳)، الفوائد الرجالية، تهران: مكتبة الصادق.
- 0 بخشى، سعید و مصطفی ورمزیار (۱۴۰۱)، «اثبات قضاوت داوودی امام زمان عنه السلام بیان کارکردها و پاسخ به شبهات»، مشرق موعود، ش ۶۲، ص ۸۳-۱۰۳.
- 0 برقی، سید ابوالفضل، بی تا (الف)، بررسی علمی در احادیث مهدی، بی جا.
- 0 برقی، سید ابوالفضل، بی تا (ب)، تابشی از قرآن، بی جا.
- 0 حسینیان قمی، مهدی (۱۳۸۴)، «دفاع از روایات مهدویت (۲) داوری بر پایه واقع = داوری داوودی»، انتظار موعود، ش ۱۵، ص ۲۴۲-۲۲۷.
- 0 حسینی حنیف، سید احمد و علی توسلی (۱۳۹۷)، «شبهه صحیح اعتبار سنجی روایات بحار الانوار از دیدگاه آیت الله محمد آصف محسنی در مشرعة بحار الانوار»، حدیث حوزه، ش ۱، ص ۱۶۴-۱۳۱.
- 0 حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، اعتبار سنجی احادیث شیعه، تهران: سازمان سمت.
- 0 حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، قرب الأستاذ، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

- 0 خاقانی، شیخ علی (۱۴۰۴)، رجال الخاقانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- 0 خسروپناه، عبدالحسین و محمد زارعی (۱۳۹۵)، «تحلیل انتقادی بر ضعف
سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی بر اساس باطن موضوع»،
انتظار موعود، ش ۵۲، ص ۴۴-۲۱.
- 0 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات، تهران: مرتضوی.
- 0 شبیری زنجانی، موسی (بی تا)، التعليقات الرجالية على كتب الحديث،
کتابخانه دیجیتال نور.
- 0 شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، قم: جماعة المدرسين في
الحوزة العلمية بقم مؤسسة النشر الاسلامی.
- 0 صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد،
قم: مکتبة آية الله مرعشي نجفی.
- 0 طیبی، سید علی محمد (۱۳۹۶ق)، «بررسی آراء عبد الوهاب فرید تنکابنی
و سید ابوالفضل برقی در نقد عقیده رجعت»، امامت پژوهی، ش ۲۲، ص
۶۱-۱۰۶.
- 0 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۷)، رجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- 0 _____ (۱۴۲۰)، الفهرست كتب الشيعة و اصولهم و
اسماء المصنفين و اصحاب الاصول، قم: مکتبة المحقق الطباطبائي.
- 0 فهداوی، عمار عبدالامير و حيدر حب الله (۱۴۳۷)، المعبر من بحار الانوار
وفقاً لنظريات آية الله الشيخ محمد آصف محسنی دام ظلّه، بيروت: دار
محجة البيضاء.
- 0 کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴)، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل
البيت عليه السلام لاحياء التراث.
- 0 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- 0 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 _____ (۱۴۰۴)، مرآة العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

- 0 مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (۱۴۰۶)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم: موسسه فرهنگی هنری کوشانبور.
- 0 محسنی، محمد آصف (۱۴۲۶)، مشرعة بحار الانوار، قم: مكتبة العزيزی.
- 0 محمدی فام، فریدون؛ نبوی، سید مجید (۱۳۹۷)، «بررسی رویکردهای متضاد سید ابوالفضل برقی»، دانشنامه علوم قرآن و حدیث، ش ۹، ص ۱۶۷-۱۹۶.
- 0 مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الارشاد في معرفة حجج الله الى العباد، قم: کنگره شهید مفید.
- 0 مهدی نژاد، سمیرا (۱۴۰۰)، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رأیت هدايت، پاسخی به ابوالفضل برقی در کتاب بررسی علمی در احادیث مهدی، تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ.
- 0 مهدی نژاد، سمیرا؛ فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۸)، «تبیین خطای روشی ابوالفضل برقی در ردّ آیه استخلاف»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۲۴، ص ۲۲۳-۲۰۳.
- 0 نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم مؤسسة النشر الاسلامی.